

چگونگی و جرایمی استمرار احساس اجحاف در استان ایلام پس از انقلاب ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۴

عیسی بسطامی^۱

سیف اله سیف اللهی^۲

منصور وثوقی^۳

تاریخ وصول: ۹۵/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۲۳

چکیده

بر اساس مطالعات انجام شده احساس اجحاف و استمرار آن پس از انقلاب ۱۳۵۷ در استان مرزی و محروم ایلام تشدید یافته و به یک مسأله‌ی اجتماعی تبدیل شده است. این مقاله به بررسی جامعه‌شناختی مسأله اجتماعی مذکور پرداخته است. روش استفاده در این پژوهش پیمایش، ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه و جامعه آماری آن، تمامی افراد بالای ۱۸ سال ساکن در مراکز شهری شهرستان‌های استان ایلام می‌باشد. حجم نمونه نیز تعداد ۴۶۰ نفر تعیین شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم افزار (SPSS)، تمامی فرضیه‌های تحقیق تأیید و میزان تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری مسأله اجتماعی مورد تبیین مشخص گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که عناصر و مؤلفه‌های معیشتی با ضریب بتای ۰/۳۳۳؛ عناصر و مؤلفه‌های مدیریتی - سیاسی با ضریب بتای ۰/۲۷۹ و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی با ضریب بتای ۰/۱۸۵؛ با بیشترین میزان تأثیر و عناصر و مؤلفه‌های جمعیتی - قومی با ضریب بتای ۰/۰۸۵ و عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی با ضریب بتای ۰/۰۳۵ کمترین تأثیر را در استمرار احساس اجحاف در استان ایلام داشته‌اند.

واژگان کلیدی: استان ایلام، احساس اجحاف، تبعیض، نابرابری.

پرونده‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانش آموخته دکترای تخصصی جامعه‌شناسی، گرایش فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

eisa.bastami@yahoo.com

۲- دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. (نویسنده مسئول مکاتبات)

Dr.seyfolahi@rpedalmizan.ir

vosooghi@ut.ac.ir

۳- استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

مقدمه

احساس عبارت تجربه‌ای عاطفی، مخصوصاً مبتنی بر مطلوبیت یا عدم مطلوبیت و یا تجربه‌ای ناشی از تماس جسمانی (یا تصور تماس)، به صورت لذت، درد و ... (Sarookhani, 1996: 282) می‌باشد که می‌تواند به صورت احساس جمعی^۱ نیز حاصل شود. احساس انصاف و احساس اجحاف مانند سایر مقولات هنجاری مشمول نسبیت فرهنگی است، بیش‌تر نظریه‌ها درباره‌ی انگیزش، عدالت، و ... در ادبیات جامعه‌شناسی در متن فرهنگ غربی و به ویژه امریکایی مطرح شده‌اند (Mohamadi, 2021: 132). برای نمونه، نیازهای اساسی و به ترتیب نیازهای فیزیولوژیکی، سلسله مراتب آن‌ها در نظریه‌ی ابراهام مزلو^۲ احساس ایمنی، تأیید اجتماعی، وابستگی اجتماعی، و احترام و خودشکوفایی ذکر شده است، اما ممکن است در بعضی کشورها این ترتیب صادق نباشد. مثلاً در ژاپن، یونان، یا مکزیک احساس ایمنی و اجتناب از بی‌ثباتی از نیازهای بالاست و در کشورهای حوزه اسکاندیناوی نیازهای اجتماعی اولویت دارند که با آن کشورها بیش‌تر هم‌خوانی دارند. این تفاوت‌ها مدیون تفاوت در فرهنگ‌ها و نظام‌های ارزش‌ها است (Robbins, 1991: 222).

اجحاف پدیده‌ای است که با واژگانی چون ظلم، بی‌عدالتی و نابرابری بیان می‌شود. با این حال بی‌عدالتی و اجحاف مترادف‌اند. موضوع اجحاف با بحث‌هایی چون عدالت و بی‌عدالتی، ایجاد انگیزه همگرایی، روحیه‌ی همذات‌پنداری بین مردم و حکومت، و احساس تبعیض مرتبط است. احساس اجحاف را به طور کلی می‌توان این گونه تعریف کرد: احساسی که از برآورده نشدن توقعات و خواسته‌های به جا یا نابجا ناشی می‌شود که افراد یک جامعه آن‌ها را حق مسلم و مشروع خود می‌دانند و برآنند که آن حق یا حقوق به دست فرد، گروه، یا سازمانی به ناحق از آنها سلب شده است. به عبارت دیگر، احساس اجحاف واکنش افراد به توزیع غیرمنصفانه‌ی (واقعی یا تخیلی) منابع و امکانات موجود است. شکایت از اجرا نشدن عدالت که با عناوین گوناگون مانند تبعیض، ظلم، بی‌عدالتی و حق‌کشی ابراز می‌شود و در روابط اجتماعی و کارکردهای ساختار اجتماعی تأثیر به‌سزایی دارد، به نوعی با مفهوم انصاف و اجحاف (عدالت و بی‌عدالتی) ارتباط تگاتنگ دارد (Mohamadi, 2021: 125). عدالت اجتماعی مفهومی وسیع‌تر از عدالت اقتصادی است و شرایطی را می‌رساند که در آن هر عضو از جامعه بر مبنای میزان کارش، امکانات فکری و جسمانی از فرصت‌های متناسب در راه گسترش و شکوفایی توانایی‌های خود برخوردار می‌شود (Sarookhani, 1996: 770). و از این حیث موضوع اصلی آن تصمیم‌گیری برای تعیین ملاکی

1- Collective Feeling

2- Maslow, A

است که بر طبق آن اعمال آدمیان در سطوح و حوزه‌های گوناگون در رابطه با هم مورد داوری قرار می‌گیرد (Bashirieh, 2003). قلمرو بحث عدالت اجتماعی، محصور به حصار دولت - ملت است؛ یعنی سخن در ترسیم ساختار عادلانه، جامعه‌ای است که دولت و سرزمین مشخص دارد و می‌خواهد همکاری اجتماعی درون آن جامعه و نهادهای موجود در آن و توزیع امکانات و فرصت‌ها و وظایف و حقوق براساس اصول و معیارهای عادلانه ترسیم شده باشد (Vaezi, 2005). اصل بنیادین سیاست اجتماعی، رادیکال آن است که منابع^۱ چه در زمینه‌ی بهداشت، آموزش، مسکن یا درآمد باید بر اساس (نیاز) توزیع شود (George & wilding, ۱۹۷۶). طبق اصل بنیادین کانت مبنی بر این که افراد باید به صورت هدف نگریسته شوند نه ابزار، نباید افراد بدون رضایت خویش و به منظور تأمین اهداف دیگران قربانی شوند یا مورد استفاده قرار گیرند. استقلال افراد غیرقابل تجاوز است. مفهوم عدالت اجتماعی به معنایی متفاوت با معنای آن در دوران باستان در اوایل قرن ۱۹ مطرح شد، به این خاطر عدالت امری اجتماعی است که با کیفرها و مجازات حقوقی سروکار ندارد بلکه بیشتر به سعادت و رفاه اجتماعی می‌پردازد. عدالت اجتماعی در معنایی از آن، با مشکلاتی ربط پیدا می‌کند که در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ مطرح شدند و یا بیش از پیش مورد توجه قرار گرفتند که از نمونه آن می‌توان بیکاری، درماندگی در دوران بیماری و سالخوردگی، محرومیت از آموزش حرفه‌ای و حتی فقر و تنگدستی را نام برد. در این میان توجه اصلی به قشرهای محروم و کارگران معطوف بود اما همراه با گسترش شهرها به بخش‌هایی از روستاییان نیز توجه شد (Etfarid, 2004: 84-85).

انسجام، یکپارچگی، تداوم حیات و توسعه‌یافتگی هر جامعه‌ای معمولاً تا حدود زیادی نشأت گرفته از نوع برداشتی است که افراد و گروه‌های مختلف موجود در آن جامعه نسبت به جایگاه خود در دستیابی به حقوق انسانی و کسب میزان ارزش‌ها، شأن و منزلت‌های اجتماعی و حفظ آنها در آن جامعه دارند. هرچه میزان احساس افراد و گروه‌های مختلف نسبت به موقعیت و جایگاه خود مثبت و رضایت بخش ارزیابی شود جامعه از مصونیت‌های درونی و بیرونی در امان خواهد ماند، اما چنانچه به هر دلیلی این نوع برداشت نه تنها مثبت و رضایت بخش ارزیابی نشود، بلکه نگرشی منفی توأم با عدم رضایت در اذهان عمومی شکل بگیرد زمینه‌های بروز انواع آسیب‌های اجتماعی اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پدیدار خواهد شد و امنیت^۲ آن جامعه را مورد تهدید قرار خواهد داد.

به طور کلی فرآیند پیدایش روابط اجتماعی ناعادلانه نشأت گرفته از عملکرد ساختار ناموزون نظام اجتماعی است. از جمله ویژگی‌های این ساختار ناموزون جامعه ایران ناهمگونی میان ارکان، عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی اقلیمی، جمعیتی، معیشتی، اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی است (Seyfollahi, 2007: 57)، که می‌توان به تعارض‌ها، تناقض‌ها و تضادها در باورها، ارزش‌ها و هنجارها هم در سطح

1- Resources

2- Security

چگونگی و چرایی استمرار احساس اجحاف در استان ایلام پس از انقلاب ...

کلان و هم در سطح مناطق جغرافیایی، جمعیتی و فرهنگی به ویژه در مناطق مرزی اشاره کرد که فرآیند پیدایش نارضایتی بین مردم و گروه‌های مختلف ایران به ویژه در مناطق مرزی و محروم است. مدیریت سیاسی ایران با ارکان، عناصر و مؤلفه‌های خود، نظام مدیریتی ویژه‌ای را پدید آورده که بیشتر به نظام مدیریت قبیله‌ای، خویشاوندی و نظام مدیریت روستایی شبیه است تا به مدیریت سیاسی ملی‌گرا و قانونمند. این وضعیت، نشأت گرفته از ترکیب خاص جمعیتی و سایر عوامل و عناصر فرهنگی جامعه ایران است که عمده مسائل و مشکلات را برای استقرار نظام مدیریتی مبتنی بر مدیریت مشارکتی و مردمی فراهم ساخته است. وجود مدیریت یک سویه از بالا به پایین با جهت‌گیری پدر مآبانه، زمینه را برای جدایی مردم از مدیریت و در نهایت احساس عدم رضایت، احساس اجحاف و عدم همکاری فراهم آورده است (Seyfollahi, 2011: 198) که در صورت تداوم و بی‌توجهی مسئولین و دستگاه‌های حاکمیتی امنیت این جامعه در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

بعد از انقلاب به دلیل تجاوز کشور عراق به ایران و قرار گرفتن جامعه در شرایط بحرانی تمام کنش‌های ذهنی^۱ و عینی^۲ مردم صرف پرداختن به مسأله جنگ شد و تا حدودی همبستگی قابل توجهی در میان اقشار ملت شکل گرفت. پس از جنگ و فروکش شدن شور انقلابی در بین مردم و از سرگیری مجدد زندگی عادی و روزمره، ذهن اکثر افراد جامعه متوجه موضوعات مختلفی شد که برای بدست آوردن آنها اقدام به آن کنش جمعی پرمخاطره کرده بودند و هزینه‌هایی متحمل شده بودند. اما هر چه مردم بیشتر فکر می‌کردند بیشتر متوجه می‌شدند که حکایت همچنان باقی است. مسائل و مشکلات قبل از انقلاب نه تنها حل نشده بلکه با شدت بیشتری در حال رشد کردن هستند بطوری که در حال حاضر از عمده مسائل و موضوعات مطرح شده توسط مردم در حوزه‌ی عمومی پرداختن به مسأله بی‌عدالتی، فقر، نابرابری و... می‌باشد.

موضوع احساس اجحاف و دیگر مقوله‌های مترادف آن در تمام جامعه ایرانی قابل لمس و شناسایی است، اما شدت و حدت آن در مناطق مختلف متفاوت است. بطوری که در مناطق مرکزی و نزدیک به مرکز که از امکانات نسبی بهتری برخوردارند کمتر و در مناطقی که در حاشیه و مرزهای ایران قرار دارند بیشتر و ملموس‌تر است. استان ایلام یکی از مناطقی است که به دلیل دوری از مرکز و هم مرز بودن با کشور عراق در طول تاریخ کمتر مورد توجه حکومت مرکزی قرار گرفته و این امر باعث شده که در توزیعات منابع مختلف همواره کمترین سهم و توجه را به خود اختصاص دهد. تاریخی بودن پدیدیده‌ی

1- Subjective
2- Objective

نابرابری در این استان، باعث شده که به مرکزی برای تولید انواع مختلف آسیب‌های اجتماعی^۱ تبدیل شود و موجبات نارضایتی در بین مردم این جامعه را فراهم آورد و این امر سبب شده آستانه تحمل آنان به شدت کاهش پیدا کند.

استان ایلام هرچند دارای منابع گازی و نفتی متعددی است اما متأسفانه به دلیل بی توجهی مسئولین، سهل انگاری‌های نمایندگان دوره‌های مختلف این استان در مجلس شورای اسلامی و نیز پایین بودن سطح آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و عدم شکل‌گیری فرهنگ مطالبه‌گری، نسبت به حق و حقوق خود و تکالیف حکومت در قبال آنها، همواره با فقر و محرومیت فراوانی مواجه بوده‌اند.

از جمله مسائل اجتماعی موجود در این استان می‌توان به: خودکشی^۲ که از حدود سه دهه پیش و با خود سوزی زنان آغاز شد و در حال حاضر نیز با شدت روز افزونی و با تغییر در نوع آن در جریان است، شکل‌گیری پدیده‌ی مصیبت بار خودکشی در این دیار که از دهه هفتاد و با خودسوزی زنان آغاز شد و در این سه دهه هنوز رکورددار مقام اول خودکشی است و برابر با اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بحرانی‌ترین استان در مقوله‌ی خودکشی استان ایلام است که نرخ اقدام به خودکشی در آن ۹.۷۱ بوده و شانزده برابر نرخ کشوری (۵.۴) می‌باشد که با این نرخ خودکشی ایلام عملاً بالاترین نرخ خودکشی در جهان را داراست (Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare, 2014)؛ افزایش روز افزون قتل و دگرکشی که از مصادیق عمده‌ی احساس اجحاف می‌باشد بطوری که برابر اعلام منابع انتظامی و برابر آمارهای موجود، استان ایلام از نظر رتبه بندی بر مبنای نرخ جرم کشوری از نظر ارتکاب به جرم قتل عمدی در سال ۹۲ رتبه هفتم، در سال ۸۳ رتبه هفتم، در سال ۸۴ رتبه دوم، در سال ۸۵ رتبه دوم، در سال ۸۶ رتبه سوم و در سال ۸۷ و ۸۸ رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است و در سالهای بعد با یک روند رو به کاهش در سال ۸۹ به شدت از افزایش برخوردار می‌باشد؛ فقر عریان در تمامی سطوح مختلف جامعه بصورتی که با اندک تاملی می‌توان مصادیق آن را در جامعه به شکل عینی مشاهده نمود؛ بیکاری غیرقابل تصور جوانان؛ گرایش به جریان‌های نوظهور اجتماعی، سیاسی، مذهبی؛ واگرایی‌های قومی؛ شکاف نسلی شدید و قابل رویت؛ افزایش روزافزون جرائم و بزهکاری‌هایی از قبیل سرقت‌های مسلحانه، سرقت‌های معمولی و درگیری و خشونت در مراکز عمومی؛ حاشیه نشینی که خود عامل بزهکاری‌های متعدد می‌باشد؛ افزایش آمار روسپیگری و پایین آمدن سن آن (تن فروشی زنان)؛ افزایش روز افزون گرایش جوانان به سمت اعتیاد به مواد مخدر و گونه‌های مختلف آن، پایین آمدن سن اعتیاد و صدها مسائل اجتماعی و جریان‌های فرهنگی اجتماعی و سیاسی مخرب دیگری که در این جامعه در حال وقوع می‌باشد و نشان از ضعف عمده در ساختارهای اجتماعی، سیاسی به دلیل ناتوانی در توزیع عادلانه درآمدها، قدرت و سایر منابع در جامعه ایران دارد.

1- Social harm

2 -Suicide

با توجه به وضعیت استان ایلام در مواجه شدن با این مسائل و صدها مسأله‌ی اجتماعی اندوه باری که در حال حاضر به بخش لاینفکی از زندگی روزمره‌ی مردمان این دیار تبدیل شده فضای ناراضیتی و احساس اجحاف عمومی در جامعه پدیدار شده و در حال افزایش است. براساس مطالب مطرح شده این جامعه بستر مناسبی برای مطالعه و بررسی عوامل ایجاد کننده احساس اجحاف و استمرار آن است که می‌توان نتایج حاصل از آن را به کل جامعه ایرانی تعمیم داد. مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که عوامل ایجاد کننده این مسأله‌ی اجتماعی در استان ایلام کدامند؟

تحقیق حاضر با بررسی و شناخت علل و عوامل اجتماعی موثر در احساس اجحاف و استمرار آن در جامعه‌ی ایلام، می‌تواند نقش موثری در اتخاذ سیاست‌های برقراری عدالت، از میان برداشتن تبعیض، نابرابری و احساس اجحاف، در سطح محلی و ملی داشته باشد. اتخاذ این سیاست‌ها در راستای مدیریت توزیع منابع مختلف طبیعی و ضمنی استان ایلام، نقش قابل ملاحظه‌ای در کاهش احساس اجحاف و افزایش انسجام در این منطقه خواهد داشت و از آنجا که انسجام و حفظ سرمایه‌های اجتماعی در امنیت و توسعه منطقه نقش بارزی دارد لذا با استفاده از نتایج این تحقیق و اتخاذ سیاست‌های مدیریتی مناسب میتوان در راستای کاهش احساس اجحاف و به دنبال آن افزایش مسئولیت پذیری افراد جامعه مذکور، امنیت، انسجام و توسعه منطقه، گامهای موثری برداشت. در این تحقیق و بر این اساس دست‌یابی به اهداف زیر مورد نظر می‌باشد:

- مطالعه و بررسی وضعیت "احساس اجحاف" و استمرار آن در استان ایلام؛
- مطالعه و بررسی علل و عوامل اجتماعی موثر بر "احساس اجحاف" و استمرار آن در استان ایلام؛
- پیامدهای شکل‌گیری و گسترش "احساس اجحاف" و استمرار آن در استان ایلام؛
- آرایه راهکارهای کاربردی و راهبردی در جهت ایجاد زمینه‌های بهینه برای از میان برداشتن "احساس اجحاف" و استمرار آن در استان ایلام.

بررسی مبانی نظری پژوهش بیانگر آن است که بین صاحب‌نظران در اینکه نابرابری به موضوع‌هایی همچون شکاف بین پولدارها^۱ و فقرا^۲ یا تفاوت میان فرادستان^۳ و فرودستان توجه دارد، توافق نظر وجود دارد، با این حال نابرابری اجتماعی به طور کلی تر به تفاوت‌هایی میان افراد اشاره می‌کند، که بر نحوه‌ی زندگی آنها، خاصه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداشها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر دارد. مهمترین

1- Wealthy
2- The poor
3- Elite

تفاوت‌ها، تفاوت‌هایی هستند که به معنای اجتماعی کلمه، ساختاری شده اند، تفاوت‌هایی که جزء لاینفک کنش متقابل و مستمر افراد هستند (Edward, 1994: 10). نابرابری اجتماعی وضعیتی است که در چارچوب آن، انسان‌ها دسترسی نابرابری به منافع با ارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دارند (Lahsaiezadeh, 2001: 6) و به عنوان «وجود تفاوت‌های دائمی و منظم در قدرت خرید کالاها، خدمات و امتیازات میان گروه‌های معینی از مردم که شاخص آن نابرابری در دادن پاداش به کار می‌رود» (Malek, 2003: 103).

بنیانهای اصلی نابرابری چه هستند؟ گرب عقیده دارد که پاسخی که همگان در آن اتفاق نظر داشته باشند در دست نیست. «عده‌ای از محققان معتقدند که بنیان‌های اصلی نابرابری، تفاوت‌های فردی در توانایی‌های ذاتی و انگیزه و تمایل به سخت کوشی و جزء اینها است. در برابر، تحلیل‌گران دیگر معتقدند که نابرابری در اصل مبتنی بر تفاوت‌هایی است که جامعه در رفتار و برخورد با این افراد بین آنها قائل می‌شود و علت این فرق گذاری، مشخصه‌هایی همچون طبقه‌ی اقتصادی، نژاد، قومیت، جنسیت و دین است که به طریق اجتماعی تعریف شده‌اند. برخی دیگر از نظریه‌پردازان طیف وسیعی از نابرابری‌های متقاطع - اعم از نابرابری‌های فردی و نابرابری‌هایی که به طریق اجتماعی تعریف شده‌اند - را در نظر می‌گیرند. در حالی که دیگران فقط به یک یا دو بنیان مهم که بر دیگر بنیان‌ها ارجحیت دارد تأکید می‌کنند» (Edward, 1994: 11).

گروه بندی افراد جامعه، امری عام و از ویژگی‌های اجتماعی است. اما پیدایش طبقات اجتماعی در جامعه، مسأله ساز و مشکل آفرین بوده و هست. هیچ جامعه‌ای در طول تاریخ از این پدیده مصون نمانده و تقریباً تمام جوامع از این نوع نابرابری صدمه دیده است. نابرابری‌های طبقاتی از تقسیم کار اجتماعی ناعادلانه پدید می‌آید. مطالعات جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که فقط در جوامع بسیار ساده و ابتدایی که امکان ذخیره مواد و تولید بیشتر وجود نداشته، نابرابری گروهی و به ویژه نابرابری‌های طبقاتی مشاهده نشده است. نابرابری‌های طبقاتی را باید در کیفیت و ماهیت روابط اجتماعی جستجو کرد. چگونگی روابط اجتماعی و استقرار افراد جامعه در پایگاه و جایگاه مختلف و محول کردن نقش‌های اجتماعی خاص به افراد خاص، زمینه‌ساز پیدایش نابرابری‌های اقتصادی و سایر نابرابری‌هاست. تفکیک گروه‌های اجتماعی از نظر قومی، جنبه‌ای دیگر از نابرابری‌های اجتماعی است. منشأ پیدایش گروه‌های قومی هرچه می‌خواهد باشد، اما آنچه قابل بحث است، تبعیض و ستمی است که گروه‌های قومی نسبت به یکدیگر روا می‌دارند. تسلط قومی بر اقوام دیگر جز تسلط آمرانه‌ی گروهی بر دیگر گروه‌ها نیست. منشأ این امر و نهی، در روابط نابرابر نهفته است، زیرا گروهی که قدرت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در دست دارد، ابزارهای تبلیغاتی را نیز در دست دارد و برای حفظ برتری خود به توجیح پرداخته، گروه خود را بر سایر گروه‌های قومی مسلط می‌کند. این جریان اجتماعی، سبب پیدایش نابرابری بین گروه‌های قومی شده،

چگونگی و چرایی استمرار احساس اجحاف در استان ایلام پس از انقلاب ...

موجب بروز اختلافات، کشمکش‌های اجتماعی و فرهنگی می‌شود. وجود گروه‌های قومی در تمام جوامع و برتری گروهی بر گروه دیگر تحت عناوین مختلف، تاریخ جوامع بشری را پر کرده است. در نظریه‌های بوردیو تمایزات میان مردم که گروهی در سلسله مراتب بالای قشر بندی قرار گرفته و گروهی در کل سرمایه کمی دارند به وضوح مشخص است. دولت نیز انواع مختلف سرمایه را داراست و آن را در راه سلطه بر طبقات پایین به کار می‌گیرد چرا که خود دولت محصول طبقات بالا به شمار می‌رود. دولت محصول فرایند انواع مختلف سرمایه از قبیل سرمایه نیروی فیزیکی یا ابزارهای اجبار (ارتش، پلیس)، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی یا به تعبیر بهتر، سرمایه اطلاعاتی و سرمایه نمادین است؛ تراکمی که به دلیل همین ماهیت تراکمی آن، دولت را به دارنده نوعی فراسرمایه بدل می‌کند که بر انواع دیگر سرمایه و صاحبان آن، قدرت اعمال نفوذ می‌یابد. تراکم انواع مختلف سرمایه به ظهور یک سرمایه خاص دولتی منجر می‌شود که دولت را قادر می‌کند تا بر حوزه‌های مختلف و بر انواع مختلف سرمایه‌های خاص، و به خصوص بر نرخ تبدیل میان آن سرمایه‌ها و بر روابط قدرت میان دارندگان آن سرمایه‌ها، اعمال نفوذ کند. از مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که تحقق دولت حرکتی است موازی تحقق حوزه قدرت که این حوزه فضای بازی‌ای است که دارندگان سرمایه‌های گوناگون، به ویژه برای اعمال قدرت بر دولت، درون آن به نبرد می‌پردازند؛ منظور از اعمال قدرت بر دولت، اعمال قدرت بر سرمایه دولتی است که قدرت اعمال نفوذ بر انواع مختلف سرمایه و باز تولید آن (خصوصاً از طریق نظام آموزشی) است (Bourdieu, 2001: 4-143).

جدول (۱): دیدگاه مکانب مختلف در مورد عدالت (آرمان و مبنای کلی توجیه حقوق و تکالیف)

مکتب	آرمان نهایی	مبنای کلی توجیه حقوق و تکالیف
لیبرالیسم	آزادی	حق حیات و زندگی آزاد برای همه
سوسیالیسم	برابری	برای عامه از حیث درآمد و ثروت
لیبرال دموکراسی: دیدگاه‌های قراردادگرایان، فایده‌گرایان، طرفداران اصول اخلاقی گفتمان	آمیزه برابری و آزادی	رعایت مفاد قرارداد نخستین حداکثرسازی فایده اجتماعی رعایت پیش فرضهای پذیرفته شده در گفتمان
اجتماع گرایی	نفع عمومی	دستیابی به خیر، نیکی و مصلحت عمومی جامعه
تأیید گرایی	برابری زن و مرد	تساوی زن و مرد در برخورداری از فرصت‌های اجتماعی و سیاسی
فرانزواگرایی	آرمان‌های متعدد و متکثر بر حسب تقاضاهای محدود محلی	نفی فراواقعیت‌ها و نظریه‌های کلان و در نظر گرفتن وضعیت‌های محدود و محلی جوامع انسانی

رویکرد ناظر بر این تحقیق برگرفته از نظریه‌ای بومی سازی شده است. براساس این پارادایم به طور کلی فرآیند پیدایش روابط اجتماعی ناعادلانه نشأت گرفته از عملکرد ساختار ناموزون نظام اجتماعی است. ساختار ناموزون نظام اجتماعی نیز ناشی از ماهیت و کارکرد ساخت درونی و بیرونی عناصر بنیادین

تشکیل دهنده‌ی نظام اجتماعی است. در درون نظام اجتماعی، عناصر گوناگون با ساختار و کارکردهای گوناگون وجود دارد. ارکان و بنیان اصلی نظام اجتماعی بر پنج عنصر همراه با مؤلفه‌های مربوطه استوار است. این ارکان، عناصر و مؤلفه‌ها عبارتند از:

- ✓ ارکان، عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی-اقلیمی^۱؛
- ✓ ارکان، عناصر و مؤلفه‌های جمعیتی^۲؛
- ✓ ارکان، عناصر و مؤلفه‌های معیشتی - اقتصادی^۳؛
- ✓ ارکان، عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی^۴؛
- ✓ ارکان، عناصر و مؤلفه‌های سیاسی^۵.



الگوی (۱): روابط اجتماعی ناعادلانه و پی آمدها و عوارض آن^۶

شکل‌گیری مسائل اجتماعی در ایران ناشی از ناموزونی و تضاد درونی بین عناصر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده و فشار عامل بیرونی بر آنها است (سیف‌اللهی: ۱۳۸۶).

۱- در مباحث مربوط به عناصر و مؤلفه‌های اقلیمی و جغرافیایی موضوعات زیر قابل مطالعه و بررسی است: وضعیت ژئوپلیتیکی در دسترسی به امکانات و تسهیلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از جمله ویژگی‌های طبیعی یک جامعه مطلوب برای زندگی است؛ غالباً در جوامعی که مراکز قدرت و تصمیم‌گیری در پایتخت متمرکز باشد هر چه میزان نزدیکی بیشتر باشد شانس برخورداری از امکانات بیشتر است؛ از جمله منابع مهم بالقوه خدادادی در بهبود معیشت یک جامعه وجود اراضی مسطح و حاصلخیز کشاورزی است؛ قرار گرفتن در مناطق مرزی در جوامع توسعه‌نیافته و افزون بر آن عدم تأمین امنیت

- 1-Ecological elements
- 2-Population elements
- 3-Economic elements
- 4-Cultural Elements
- 5-Political management elements

^۶ این الگو از کتاب مسائل اجتماعی ایران (۱۳۸۶) نوشته‌ی سیف‌اللهی با اندکی تغییر در شکل اقتباس شده است.

لازم برای افراد آن جامعه و یا وجود جنگ با جوامع همسایه و همچنین بی توجهی مسئولین در بهبود وضعیت چنین جوامعی از جمله عوامل برور نارضایتی است.

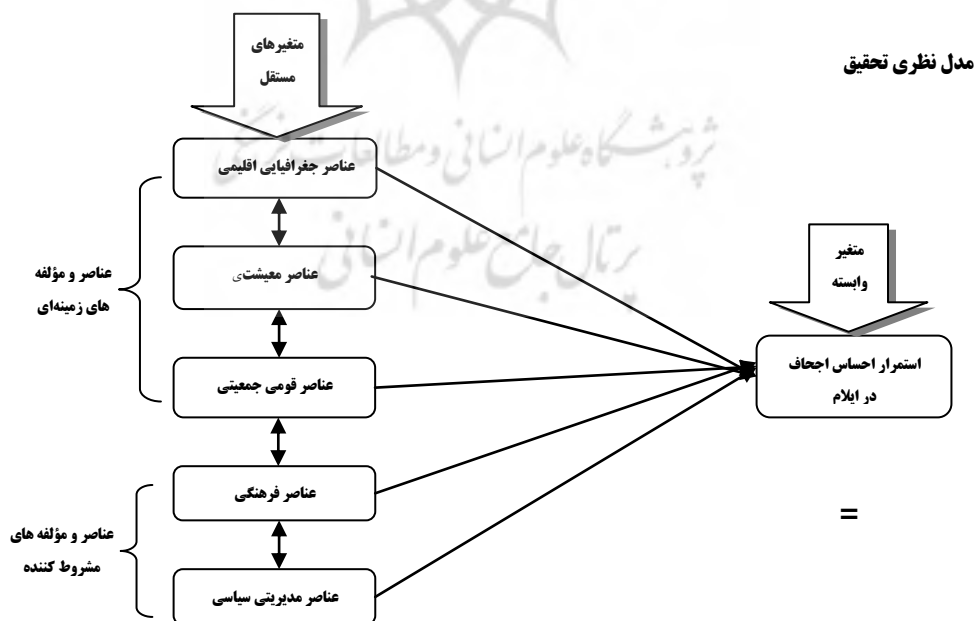
۲- در مباحث مربوط به عناصر و مؤلفه‌های معیشتی و اقتصادی مباحث زیر قابل مطالعه و بررسی است: غالباً عدم رشد و توسعه‌یافتگی بخش صنعت در جوامع مختلف باعث رکود اقتصادی در آن منطقه خواهد شد و افراد جامعه را از نظر معیشتی در مخاطره خواهد انداخت؛ کم توجهی سیستم اجتماعی به سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی باعث از بین رفتن فرصت‌های لازم برای معیشت بهتر و کارایی افراد یک جامعه خواهد شد. عدم تأمین شغل مناسب و یا اساساً کار توسط سیستم اجتماعی باعث ناتوانی افراد در تأمین نیازهای اولیه و انسانی آنها خواهد شد و زمینه برای رشد انواع آسیب‌های اجتماعی به وجود خواهد آمد؛ تأمین سلامت افراد یک جامعه از وظایف اصلی یک سیستم اجتماعی می‌باشد. چنانچه سیستم قادر به تأمین سلامت افراد یک جامعه نباشد زمینه رشد انواع بیماری‌ها و مرگ و میر افزایش خواهد یافت؛

۳- در مباحث مربوط به عناصر و مؤلفه‌های قومی و جمعیتی مباحث زیر قابل مطالعه و بررسی است: میزان بالای جمعیت با توجه به سیر تاریخی آن از جمله عوامل تعیین کننده سرنوشت جوامع و تا مقاطع مختلفی از تاریخ نشان دهنده اقتدار و شکوه جوامع بوده است هرچه میزان جمعیت یک منطقه‌ای کم باشد به همان میزان از بی توجهی حاکمان در اختصاص منابع و امکانات رنج خواهد برد؛ هرچه یک جامعه از انسجام و یکدستگی بیشتری برخوردار باشد زودتر در مسیر توسعه یافتگی قرار خواهد گرفت. واگرایی‌های قومی در مناطق چند قومیتی باعث عدم اتحاد و همبستگی میان آنها شده و در نتیجه در معرض ظلم و بی عدالتی نیروهای خارج از آن مراکز قرار خواهند گرفت.

۴- در مباحث مربوط به عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی مباحث زیر قابل مطالعه و بررسی است: هرچه میزان دسترسی افراد یک جامعه به مراکز آموزشی و فرهنگی بیشتر باشد به همان میزان از انسداد اجتماعی آنان کاسته می‌شود و به تبع آن از تمام امکانات موجود در جامعه به میزان برابر برخوردار خواهند شد. افراد یک جامعه زمانی که از دانش و آگاهی‌های علمی بیشتری برخوردار باشند به همان میزان از انسداد اجتماعی آنان کاسته می‌شود و نسبت به تکالیف حاکمان و مسئولین جامعه در قبال آنها آگاهی پیدا خواهند کرد و اجازه نخواهند داد در حق آنها اجحاف شود؛ تعصبات قومی، ایلی و طایفه‌ای به میزان قابل توجهی درهای خود را به سوی جهان خارج و واقعیات موجود می‌بندد و آگاهی انسانها را کور می‌کند؛ درون گرایی، نداشتن تفکر انتقادی و عدم ارتباط با جهان خارج از دایره‌ی خودی، باعث عدم آگاهی از زیست جهان‌های دیگر و در ادامه مانع از دسترسی به حق و حقوق اساسی انسان‌های درون یک جامعه می‌شود. اشاعه فرهنگ گردشگری بر مبنای پذیرش دیگری قرار دارد و باعث ورود عناصر فرهنگی دیگر و در نتیجه بالا رفتن سطح آگاهی و دانش افراد یک جامعه خواهد شد؛ باورها و دانش‌های

اقتدار گرایانه و ایدئولوژیکی غالباً راه را بر واقعیت‌ها می‌بندد و انسانها را به تبعیت بدون چون و چرا وا می‌دارد.

۵- در مباحث مربوط به عناصر و مؤلفه‌های سیاسی و مدیریتی مباحث زیر قابل مطالعه و بررسی است: هرچه میزان تقسیم قدرت و سهم افراد در درون یک جامعه از توزیع عادلانه برخوردار باشد زمینه احساس عدالت در آن جامعه شکل خواهد گرفت اما هرچه این توزیع با معیارهای عادلانه صورت نگیرد باعث ایجاد تنش، تعارض و انسداد اجتماعی خواهد شد؛ نمایندگان مجلس یک جامعه دموکراسی چنانچه از دانش، آگاهی، درایت و شجاعت خاصی برخوردار باشند و به معنای واقعی نمایندگان مردمشان باشند باعث برگرداندن حقوق از دست رفته‌ی آنان خواهند شد اما چنانچه فاقد ویژگی‌های مذکور باشند و یا مصلحت فردی و مصلحت حکومت را بر حق و حقوق مردم ترجیح دهند افراد جامعه را دچار تعارض درونی و بیرونی خواهند نمود؛ حکومت تامین کننده تمام و کمال امنیت همه جانبه افراد یک ملت است چنانچه به هر دلیلی قادر به تأمین چنین کارکردی نباشد موجبات نارضایتی را در درون جامعه رقم خواهد زد؛ اگر در جوامعی با ساختار قبیله‌ای تاریخی تقسیم قدرت براساس همان روش قوم گرایانه صورت گیرد قطعاً راه ورود برای مشارکت افراد درون جامعه در دستگاه‌های قدرت مسدود خواهد شد و موجبات نارضایتی فراهم می‌آید؛ از جمله شاخص‌های توسعه همه جانبه در جوامع، مشارکت حداکثری زنان در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است هرچه میزان این مشارکت کمتر باشد ویژگی جوامع به اقتدارگرایی نزدیک می‌باشد و هر چه این مشارکت بیشتر باشد نشان از پررنگ بودن دموکراسی در آن جامعه دارد.



چگونگی و چرایی استمرار احساس اجحاف در استان ایلام پس از انقلاب ...

روش

این تحقیق با استفاده از مطالعات میدانی و روش پیمایشی انجام گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده که توسط محققان طراحی و بعد از برآورد اعتبار و پایایی در بین پاسخگویان توزیع گردید. جامعه آماری در این پژوهش کلیه شهروندان بالای هیجده سال ساکن در مناطق مرکزی شهرستان‌های حوزه‌های شمالی و جنوبی استان ایلام می‌باشند. واحد نمونه فرد (ساکنان) یا به عبارت دیگر (شخص) مد نظر قرار گرفته است. استان ایلام در بحث انتخابات به دو حوزه شمال و جنوب تقسیم می‌شود که مورد استفاده این تحقیق قرار گرفته است. بر این اساس از کل جمعیت آماری حدود ۷۶.۴ درصد به حوزه شمال و حدود ۲۶.۶ درصد به حوزه جنوب اختصاص دارد. حجم نمونه نیز تعداد ۴۶۰ نفر تعیین شد.

جدول (۲): تقسیم بندی جامعه آماری بر حسب تعداد بر اساس موقعیت شمالی و جنوبی

ردیف	تعداد کل جامعه آماری بر حسب تعداد	سهم حوزه شمال بر حسب تعداد	سهم حوزه جنوب بر حسب تعداد
۱	۳۱۱۰۲۰	۲۲۸۲۹۱	۸۲۷۲۹

جدول (۳): تقسیم بندی جامعه آماری بر حسب درصد بر اساس موقعیت شمالی و جنوبی

ردیف	تعداد کل جامعه آماری بر حسب درصد	سهم حوزه شمال بر حسب درصد	سهم حوزه جنوب بر حسب درصد
۱	۱۰۰	۷۶.۴	۲۳.۶

پس از تعیین حجم نمونه اقدام به ایجاد خوشه بندی در سطح دو حوزه نمودیم که متناسب با جمعیت و وضعیت اقلیمی و جغرافیایی از میان حوزه شمال سه شهرستان را که عبارتند از: ایلام که بیشترین جمعیت مذکور را به خود اختصاص داده به دلیل مرکزیت استان، ایوانغرب و ملکشاهی انتخاب نمودیم و در یک خوشه قرار دادیم و سپس به همین روال از حوزه‌ی جنوب نیز شهرستانهای دهلران و دره شهر مورد انتخاب قرار دادیم و در خوشه‌ی دیگر تعریف نمودیم. برای اطمینان از روایی محتوا، در موقع ساختن ابزار پرسشنامه سعی شد که سوال‌های تشکیل دهنده معرف قسمت‌های محتوای انتخاب شده باشد و به افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه داده شد. برطبق نتایج حاصل از ارزیابی سوالات پرسشنامه، در مرحله اول، ۵ سوال مورد تأیید کارشناسان قرار نگرفت و پس از حذف سوالات رد شده توسط کارشناسان و لحاظ آن در پرسشنامه همه سوالات مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت. ۵۷ سوال پرسشنامه با اعتبار بالا، یعنی ۰/۹، ۰/۸ و ۰/۷ مورد تأیید قرار گرفت. برای پایایی ابتدا پرسشنامه تهیه شده روی یک نمونه ۳۰ نفری از جمعیت نمونه اجرا گردید و آلفای کرونباخ همه مؤلفه‌های آن بدست آمد که بالای ۰/۷ می‌باشد. پس از گردآوری داده‌ها، براساس آمارهای توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار spss، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی:

پرسشنامه در میان ۴۶۰ نفر ساکن در نقاط شهری مراکز شهرستان‌های ایلام، ایوان، ملکشاهی (حوزه شمالی) و دهلران، دره شهر (حوزه جنوبی) توزیع شد، پس از جمع‌آوری داده‌ها نتایج زیر حاصل شد: از نظر جنسیتی مردان با ۵۶/۱ درصد و زنان با ۴۳/۹ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین تعداد پاسخگویان را به خود اختصاص دادند. همچنین میانگین سن پاسخگویان نیز ۴۱ سال، کم‌ترین سن پاسخگو ۱۸ و مسن‌ترین ۶۵ سال ذکر شده است. براساس نتایج به دست آمده میانگین درآمد پاسخگویان نهصد و شصت هزار تومان عنوان شده است. پایین‌ترین میزان درآمد ماهیانه دویست و پنجاه هزار تومان و بالاترین میزان درآمد ماهیانه پنج میلیون تومان از سوی پاسخگویان این تحقیق ذکر شده است. از نظر تأهل بیشتر پاسخگویان با ۶۷/۹ درصد متأهل و مجردین با ۳۲/۱ کمترین تعداد پاسخگویان این تحقیق بوده‌اند از نظر میزان تحصیلات ۱۳/۹ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه، وضعیت مدرک تحصیلی خود را زیردپلوم، ۳۳/۷ درصد دپلوم، ۱۰/۲ درصد فوق‌دپلوم، ۳۷/۸ درصد لیسانس، ۴/۳ درصد فوق‌لیسانس و دکتری اعلام کرده‌اند که بر این اساس اکثریت افراد مورد مطالعه در این تحقیق، تحصیلاتشان در حد لیسانس (کارشناسی) است. وضعیت اشتغال پاسخگویان نیز براساس پاسخ‌های ارائه شده به ترتیبی است که ۲۱ درصد از آنان وضعیت شغلی خود را خانه‌دار، ۱۶/۴ درصد بیکار، ۸/۵ درصد کارگر، ۲۵/۶ درصد کارمند، ۱۶/۲ درصد بازاری، ۶/۸ درصد معلم، ۲/۴ پزشک، ۳/۱ درصد مدیرسازمان اعلام نموده‌اند. بنابراین اکثریت پاسخگویان مورد مطالعه این تحقیق را کارمندان تشکیل می‌دهند.

یافته‌های استنباطی:

جدول (۴): آزمون فرضیه‌ها

ردیف	فرضیه	نوع آزمون	ضریب	سطح معناداری	قبولی یا ردی
۱	بین عناصر و مولفه‌های اقلیمی-جغرافیایی و استمرار احساس اجحاف در استان ایلام رابطه معناداری وجود دارد.	پیرسون	۰/۳۰۵	۰/۰۰۱	تایید
۲	بین عناصر و مولفه‌های جمعیتی-قومی و استمرار احساس اجحاف در استان ایلام رابطه معناداری وجود دارد.	پیرسون	۰/۲۰۰	۰/۰۰۰	تایید
۳	بین عناصر و مولفه‌های معیشتی و استمرار احساس اجحاف در استان ایلام رابطه معناداری وجود دارد.	پیرسون	۰/۴۷۶	۰/۰۰۰	تایید
۴	بین عناصر و مولفه‌های مدیریتی و سیاسی و استمرار احساس اجحاف در استان ایلام رابطه معناداری وجود دارد.	پیرسون	۰/۳۸۹	۰/۰۰۰	تایید
۵	بین عناصر و مولفه‌های فرهنگی و استمرار احساس اجحاف در استان ایلام رابطه معناداری وجود دارد.	پیرسون	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	تایید
۶	بین زن و مرد بودن و استمرار احساس اجحاف در استان ایلام رابطه معناداری وجود دارد.	تی تست	۶/۷۷۷	۰/۰۰۹	تایید
۷	بین سطح درآمد و احساس اجحاف در استان ایلام رابطه معناداری وجود دارد.	پیرسون	-۰/۴۰۲	۰/۴۰۷	رد
۸	بین تحصیلات و استمرار احساس اجحاف در استان ایلام رابطه معناداری وجود دارد.	اسپیرمن	۰/۱۵۶	۰/۰۵۴	تایید

چگونگی و چرایی استمرار احساس اجحاف در استان ایلام پس از انقلاب ...

در جدول شماره ۴ که نوع آزمون و سطح معناداری را نشان می‌دهد با توجه به سطح متغیرها از آزمون‌های تی تست، اسپیرمن و پیرسون استفاده شده است. اما مدل رگرسیونی به شرح زیر است:

جدول (۵): جداول رگرسیون جهت بررسی چرایی و چگونگی احساس اجحاف و نابرابری

متغیر	میزان همبستگی R	ضریب تعیین R2	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار تخمین ^۱
استمرار احساس اجحاف در استان ایلام	611 a .	۳۷۴ .	۳۶۵ .	5/45329

ضریب همبستگی چندگانه R میزان رابطه یا همبستگی بین یک متغیر وابسته و دو یا چند متغیر مستقل را می‌سنجد. میزان ضریب همبستگی چندگانه تحقیق حاضر ($R = 0/611$) بوده است. بنابراین می‌توان گفت که همبستگی بالایی بین متغیرهای مستقل تحقیق حاضر و متغیر وابسته تحقیق حاضر (استمرار احساس اجحاف) داشته‌اند.

ضریب تعیین چندگانه نیز نسبتی از واریانس متغیر وابسته است که توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. به عبارت دیگر ضریب تعیین چندگانه واریانس مشترک بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل است. جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که میزان ضریب تعیین چندگانه (R^2)، که از طریق آن می‌توان به تفسیر همبستگی چندگانه پرداخت و میزان اطمینان برای پیشینی رگرسیون را مشخص کرد. بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق حاضر (استمرار احساس اجحاف = $0/374$) بوده است. این امر بدان معناست که $0/374$ درصد از تغییرات متغیر وابسته را می‌توان با متغیرهای مستقل تبیین کرد.

جدول (۶): تحلیل واریانس در خروجی رگرسیون خطی چندگانه

تیین تغییرات	مجموع مربعات ^۱	درجه آزادی	میانگین مربعات ^۲	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون توسط متغیرهای مستقل	۶۱۱۹/۰۴۶	۵	۱۲۲۳/۸۰۹	۴۱/۱۵۳	۰/۰۰۰
توسط سایر عوامل	۱۰۲۵۹/۷۲۳	۳۴۵	۲۹/۷۳۸		
مجموع	۱۶۳۷۸/۷۶۹	۳۵۰			

- 1- Std. Error of the Estimate
- 2- Sum of Squares
- 3- Mean Square

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که نسبت آماره F تحقیق حاضر ($F= 41/153$) بوده است که از نظر آماری معنادار می‌باشد. سطح معناداری تحقیق حاضر نیز ($Sig= 0/000$) نیز بیانگر معنادار بودن رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق حاضر (استمرار احساس اجحاف) است.

جدول (۷): نتایج نهایی خروجی‌های تحقیق

سطح معناداری	آماره t	ضرایب استاندارد نشده		رگرسیون خطی ساده	
		ضرایب استاندارد شده	خطای معیار		
		ضریب Beta	ضریب B		
0/000	19/762		1/902	37/595	عرض از مبدأ (مقدار ثابت)
0/000	5/119	0/333	0/058	0/299	عناصر و مؤلفه‌های معیشتی
0/001	3/450	0/279	0/065	0/224	عناصر و مؤلفه‌های مدیریتی-سیاسی
0/000	7/526	0/185	0/073	-0/546	عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی
0/075	1/785	0/085	0/052	0/093	عناصر و مؤلفه‌های جمعیتی-قومی
0/478	0/711	0/035	0/054	0/038	عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی-اقلیمی

همان‌طور که از نتایج جدول شماره ۷ مشخص است از بین متغیرهای مستقل وارد شده در آزمون رگرسیون، عناصر و مؤلفه‌های معیشتی و اقتصادی، عناصر و مؤلفه‌های مدیریتی و سیاسی و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی رابطه معنادار وجود دارد. در این میان با توجه به Beta به دست آمده، عناصر و مؤلفه‌های معیشتی و اقتصادی، بیشترین سهم از متغیرهای مستقل را بر احساس اجحاف و استمرار احساس اجحاف و کم توجهی به مسئولیت‌های اجتماعی در استان ایلام با ضریب $Beta= 0/333$ دارد. پس از آن عناصر و مؤلفه‌های مدیریتی و سیاسی، با $Beta=0/279$ ، عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی $Beta=0/185$ داشته‌اند. بدین ترتیب عناصر و مؤلفه‌های معیشتی و اقتصادی، بیشترین تأثیر را از میان سایر عوامل تأثیرگذار بر استمرار احساس اجحاف در تحقیق حاضر و پس از آن بیشترین تأثیر را به ترتیب عناصر و مؤلفه‌های مدیریتی و سیاسی و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی را داشته‌اند. به طور کلی یافته‌های این تحقیق به شرح ذیل ساخته و پرداخته می‌شوند:

۱. احساس اجحاف در استان ایلام در بین دو گروه زنان و مردان با هم متفاوت است. با توجه به نتیجه آزمون T تست مستقل و سطح معنی‌داری، فرضیه‌ی متفاوت بودن استمرار احساس اجحاف در دو گروه زنان و مردان تأیید می‌شود. با توجه به میانگین رتبه‌ها، استمرار احساس اجحاف در میان مردان از نظر پاسخگویان این تحقیق بیشتر است.

۲. احساس اجحاف در استان ایلام در دو گروه متاهلین و مجردین با هم تفاوتی ندارد. با توجه به نتیجه آزمون T تست مستقل و سطح معنی‌داری، فرضیه مبنی بر متفاوت بودن وجود استمرار احساس اجحاف در بین افراد مجرد و متاهل تأیید نمی‌شود.

۳. سطح تحصیلات بر احساس اجحاف تأثیر نمی‌گذارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون اسپیرمن، نشان از عدم معنی‌داری میزان سطح تحصیلات بر احساس اجحاف در بین افراد جامعه دارد. زمانی

چگونگی و چرایی استمرار احساس اجحاف در استان ایلام پس از انقلاب ...

مصادیق اجحاف به بالاترین سطح خود برسد تمامی افراد جامعه اعم از تحصیلکرده و غیر تحصیلکرده به وجود آن اذعان دارند که در این تحقیق نتایج گویای سطح بالایی از احساس اجحاف می‌باشد.

۴. عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی - اقلیمی استان ایلام بر احساس اجحاف در بین افراد جامعه تأثیر دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون همبستگی پیرسون نشان از معنی‌داری تأثیر عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی و اقلیمی استان ایلام بر استمرار احساس اجحاف در بین افراد جامعه می‌باشد. استان ایلام دارای بیشترین مرز خاکی با کشور عراق می‌باشد، استان ایلام به لحاظ شرایط جغرافیایی در موقعیتی قرار دارد که راه‌سازی و نگهداری راه در آن پر هزینه بوده و این امر باعث کند شدن روند اجرای پروژه‌ها در این منطقه است. راه‌های ارتباطی این دیار مرزی بدلیل کوهستانی و خشن بودن منطقه نیازمند اعتبارات زیادی است که بتواند جوابگوی این استان در زمینه‌های مختلف باشد ولی بدلیل کم بودن جمعیت، اعتبارات آن اندک بوده که می‌بایست مسئولان کشوری با در نظر گرفتن محرومیت منطقه و تزریق اعتبارات بیشتر زمینه توسعه را در ابعاد مختلف فراهم کنند. استان ایلام از لحاظ راه ارتباطی زمینی، ریلی و غیره بی‌بهره است و همین دلیل باعث شده که راه ورود سرمایه‌گذاران به این دیار مرزی بسته شود و یا شاید بدلیل بن بست بودن منطقه به راه‌های مواصلاتی آن توجه جدی نمی‌شود. ایجاد زیرساخت‌های مناسب از جمله راه‌های زمینی، هوایی و ریلی، باعث توسعه همه جانبه این دیار مرزی در زمینه‌های مختلف می‌شود که برخی از این شاخصه‌ها در استان ایلام وجود ندارد و برخی از آنها در حد مناسب نیست. این استان دارای شکل طولیل و دنباله دار می‌باشد. این شکل نامناسب باعث شده تا علیرغم دارا بودن منابع عظیم طبیعی (نفت، گاز و ...) و صرف بودجه‌های کلان جهت توسعه، روند توسعه در استان از رشد مناسبی برخوردار نباشد و استان ایلام جزء محروم‌ترین استان‌های کشور به شمار می‌رود. از سوی دیگر شکل طولیل و دنباله دار ایلام بر روابط مناطق مختلف استان تأثیر گذاشته است و منابع بزرگی در شکل‌گیری هویت جمعی، احساس تعلق به استان و پیوند اقتصادی - اجتماعی شهرستان‌های استان با هم شده است که در نهایت توسعه استان را با چالش مواجه می‌سازد.

۵. عناصر و مؤلفه‌های معیشتی استان ایلام بر استمرار احساس اجحاف در بین افراد جامعه تأثیر دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون همبستگی پیرسون نشان از معنی‌داری تأثیر عناصر و مؤلفه‌های معیشتی و اقتصادی استان ایلام بر استمرار احساس اجحاف در بین افراد جامعه دارد.

استان ایلام از جمله محروم‌ترین استان کشور است. از بسیاری از شاخص‌های توسعه این استان در ردیف آخر استان‌های کشور بوده و از لحاظ فقر، مهاجرت در ردیف اول استان‌های کشور قرار دارد (Ilam poya quotes ahmadi, 2013). از نظر جمعیت زیر خط فقر، استان ایلام با ۱۹/۱ درصد جمعیت زیر خط فقر نامناسب‌ترین وضعیت را داراست. منظور از خط فقر مبلغ درآمدی است که دارندگان درآمدهای

کم تر از آن به عنوان افراد فقیر شناخته می‌شوند. در نهایت از نظر شاخص فقر انسانی که در برگیرنده تمامی شاخص‌های مورد اشاره است، استان کردستان با داشتن شاخص خط فقر (HPI) معادل ۳۱/۷ نامناسب ترین وضعیت را دارد و در میان ۲۸ استان کشور رتبه بیست و ششم است؛ یعنی تنها دو استان کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان در رتبه‌های پایین تر از آن قرار دارند. پس از آن استان آذربایجان غربی در بین ۲۸ استان دارای رتبه بیست و پنجم است و استان‌های کرمانشاه و ایلام در رده‌های هفدهم و پانزدهم قرار دارند. تفاوت بین شاخص خط فقر در استان‌های تهران و اصفهان با چهار استان مورد بررسی می‌تواند نشانه‌ای از عدم وجود تعادل‌های منطقه‌ای محسوب شود (Parliament Researchs center, 2003).

۶. عناصر و مؤلفه‌های قومی - جمعیتی استان ایلام بر استمرار احساس اجحاف در بین افراد جامعه تأثیر دارد. با توجه به سطح معنی داری آزمون همبستگی پیرسون نشان از معنی‌داری تأثیر عناصر و مؤلفه‌های قومی و جمعیتی استان ایلام بر استمرار احساس اجحاف و کم توجهی به مسئولیت‌های اجتماعی در بین افراد جامعه می‌باشد. این استان از نظر جمعیت یک درصد کل جمعیت کشور را داراست اما براساس شاخص جمعیت، شاخص‌های مدنظر به درستی توزیع نمی‌شود، نظام ما نظام اعطای فرصت‌های برابر بوده و این نیز دقیقاً یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی است. ترکیب ناموزون جمعیتی ایلام به عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین این جامعه از یکسو و شرایط ناهمگون جغرافیایی و اقلیمی از سوی دیگر همواره این جامعه را با فراز و نشیب‌هایی همراه نموده و باعث بروز مشکلات و مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گردیده است. وجود گروه‌های قومی باخرده فرهنگ‌های خاص خود، نزدیکی و گاهاً تداخل مرزهای جغرافیایی باعث بروز نوعی اختلافات قومی و قوم گرایی و در ادامه جدایی طلبی گروه‌های مذکور گردیده و جامعه را چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح ملی و بین المللی دچار چالش‌های جدی گردانیده است که این چالش‌ها در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی خودنمایی کرده‌اند (Bastami, 2012: 9).

۷. عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی استان ایلام بر استمرار احساس اجحاف در بین افراد جامعه تأثیر دارد. با توجه به سطح معنی داری آزمون همبستگی پیرسون نشان از معنی‌داری تأثیر عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی استان ایلام بر استمرار احساس اجحاف در بین افراد جامعه دارد. استان ایلام بعنوان یکی از حاشیه‌ای‌ترین مناطق کشور که اقلیت‌های قومی مختلفی را در خود جای داده و با کمی میزان جمعیت نیز مواجه می‌باشد از این توزیع نابرابر و ناعادلانه فرصت‌های آموزشی فرصت‌های ضمنی دیگری را نیز از دست داده است که باعث تشدید محرومیت، نابرابری و در ادامه احساس نارضایتی و اجحاف در میان این سیستم اجتماعی گردیده است.

هرچند در دو دهه اخیر از نظر شکل و به صورت کمی تعداد مراکز آموزشی و آموزش عالی و همچنین تعداد دانش آموزان و دانشجویان در استان ایلام افزایش یافته به صورتی که در سال ۹۱-۱۳۹۰ تعداد ۱۰۱۱۹۶ نفر

چگونگی و چرایی استمرار احساس اجحاف در استان ایلام پس از انقلاب ...

دانش آموز در دوره‌های مختلف تحصیلی مشغول به تحصیل بودند و مقدار ۱۸/۱۵ در صد از کل جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند؛ و تعداد ۴۴۰۴۲ نفر دانشجو نیز در دانشگاه‌های آزاد و دولتی (Ilam Governorate, 2014: 5-74) تحصیلات عالی خود را سپری نمودند اما حقیقت مطلب این است که در دهه‌ی سرنوشت ساز پس از انقلاب که زمان تعیین سرنوشت بود ایلامیان شدیداً در انسداد اجتماعی به سر می‌بردند و نتوانستند آنطور که بایسته و شایسته حقوقشان هست در دستگاه سیاست، اقتصاد و تصمیم‌گیری جای پای باز کنند.

همچنین در دهه‌های اخیر نیز سهم ایلامیان در برخورداری و ورود به دانشگاه‌های برخوردار و با کیفیت نسبت به استان‌ها و مناطق با نفوذ بسیار کمتر است. براساس آمارهای دولتی (به ازای هر صد هزار نفر داوطلب) کلان‌شهرهای تهران با ۴۳۳ نفر برتر، مازندران با ۳۳۲ نفر برتر، خراسان رضوی با ۳۰۱ نفر برتر، اصفهان با ۲۷۰ نفر برتر و فارس با ۲۶۲ نفر برتر در میان نفرات برتر کنکور طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ بیشترین سهم از نفرات برتر راه‌یافته به دانشگاه را داشتند. در صورتی که استان‌های خراسان جنوبی با ۶۸ نفر برتر، ایلام با ۵۱ نفر، هرمزگان با ۳۸، بوشهر با ۳۵ و سیستان و بلوچستان با ۱۹ نفر برتر طی چهار سال اخیر، کمترین نفرات برتر راه‌یافته به دانشگاه‌های تراز اول کشور را داشتند (East newspaper quoted Frastkhvah: 2013)؛ همانطوریکه اشاره شد سهم استان ایلام در پایین‌ترین رده‌های راه‌یابی نفرات برتر به دانشگاه‌ها هستند که خود نشان از عدم وجود زیرساخت‌های مورد نیاز در جهت تقویت بنیه آموزشی فرزندان مردم این دیار است.

۸. عناصر و مؤلفه‌های مدیریتی - سیاسی استان ایلام بر استمرار احساس اجحاف در بین افراد جامعه تأثیر دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون همبستگی پیرسون نشان از معنی‌داری تأثیر عناصر و مؤلفه‌های مدیریتی - سیاسی استان ایلام بر استمرار احساس اجحاف در بین افراد جامعه می‌باشد. یکی از مشکلات و معضله‌های کنونی استان ایلام عدم ثبات مدیریت و تغییر پی در پی استانداران بوده است. استان ایلام بعد از انقلاب تاکنون هر یک سال و نیم یک استاندار داشته که عدم ثبات مدیریت در این استان از عوامل توسعه نیافتگی منطقه بوده است. از ابتدای انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲، ۱۹ نفر بر مسند استانداری ایلام تکیه زده‌اند و این مسئله نشان می‌دهد میانگین عمر مدیریت در استانداری ایلام کمتر از دو سال بوده است. استان ایلام از جمله پیرامونی‌ترین استان‌های کشور است که همچنان آخرین ردیف توسعه‌نیافتگی را به خود اختصاص داده است. پاره‌ای از مطالعات نشان می‌دهد در توسعه‌نیافتگی استان متغیرهای زیادی از جمله: دوری از مرکز؛ نبود راه‌های مناسب؛ انزوای جغرافیایی؛ شرایط هشت سال جنگ تحمیلی؛ وجود مدیریت اقتضایی؛ خودباوری نیروهای بومی استان و صدها متغیر و عامل دیگر دخیل بوده که موجب شده‌اند ایلام جایگاهی غیرقابل تحمل در بحث توسعه‌نیافتگی را به خود اختصاص دهد (Sharifi, 2002: 12).

بحث و نتیجه‌گیری

هر کنش فردی یا جمعی انسان‌ها در درون یک جامعه قطعاً با هدف بهبود وضعیت زندگی آنان صورت می‌پذیرد. در هر زمانی که افراد در یک سیستم اجتماعی احساس کنند در وضعیتی غیر از آنچه مستحقشان هست قرار دارند تلاش می‌کنند از طریق کنش‌های مختلف از وضعیت مذکور رهایی یافته و در وضعیت مناسب‌تر و بهتری قرار گیرند. انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ با رهبری آیت‌الله خمینی یکی از این کنش‌های جمعی ملت ایران بود که با هدف رهایی از استبداد، ظلم، بی‌عدالتی و با هدف تغییرات اساسی و قرار گرفتن در وضعیتی برابر و عادلانه به انجام رسید، اما بعد از انجام این کنش اجتماعی فراگیر مسائل اجتماعی، نابرابری‌ها، تنش‌ها و در یک جمله بی‌عدالتی همچنان در درون سیستم اجتماعی باقی ماند و مصادیق آن نیز به شدت رو به فزونی نهاده و باعث استمرار احساس اجحاف و بی‌عدالتی در میان افراد جامعه ایرانی شده است.

بدین ترتیب پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تاکنون تغییرات چشمگیری در راستای اجرای عدالت اجتماعی، بهبود وضعیت مردم و از جمله بالا بردن سطح کیفیت آنان صورت نگرفته است و تلاش در مسیر رسیدن به آرمان‌های وعده داده شده انقلاب در حد شعار باقی مانده‌اند. از یک طرف فقر و محرومیت با گسترش روز افزونی مسیر قبلی خود را طی نموده و از سوی دیگر، فساد، رانت خواری، ظلم، تبعیض، نابرابری، قانون شکنی از سوی مسئولین حکومتی که از شاخصه‌های حکومت قبلی به شمار می‌رفت همچنان در داخل سیستم باقی مانده و به رشد خود ادامه داده است.

عناصر و مؤلفه‌های معیشتی به عنوان شرایط زمینه‌ای در این تحقیق بیشترین تأثیر را بر ایجاد مسأله تحقیق داشته‌اند. شرایط مشروط کننده دیگر از جمله عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی نیز که بخشی از آن به نظام اعتقادات و باورهای مردم و بخش دیگر آن به عدم دسترسی به امکانات دانش افزایی و از جمله عدم وجود مراکز آموزشی در طول تاریخ این استان بر می‌گردد از دیگر عوامل تأثیر گذار بر این مسأله مورد تأیید قرار گرفتند. همچنین نظام مدیریتی - سیاسی به صورت یک عامل اصلی ولی مشروط کننده و با حضوری همیشگی به عنوان یک نیروی ناکارآمد و ناتوان در توزیع عادلانه امکانات و منابع در درون جامعه‌ی مورد مطالعه و ناتوان در از میان برداشتن تضادهای درونی این نیروهای موجود و اتخاذ سیاست گذاری ناصحیح در دفع و مهار فشارهای بیرونی در این تحقیق از جمله عواملی است که مورد توجه قرار گرفته است.

عناصر جغرافیای - اقلیمی عامل طبیعی نابرابری دیگری است که به علت عدم مدیریت صحیح آن توسط نظام حاکمیتی در تولید و باز تولید استمرار احساس اجحاف در استان ایلام مورد توجه است. عناصر و مؤلفه‌های قومی - جمعیتی که در جوامع توسعه یافته از آن به عنوان فرصتی در جهت انسجام و پیشرفت مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌گیرد متأسفانه در ایران و خاصه استان ایلام به تهدیدی جدی تبدیل شده و باعث تداوم احساس نارضایتی و اجحاف شده است.

چگونگی و چرایی استمرار احساس اجحاف در استان ایلام پس از انقلاب ...

اعتقاد نگارندگان بر این است که چنانچه نظام مدیریتی در ایران نظامی عمودی و از بالا به پایین مخصوصاً در تصمیم‌گیری‌های راهبردی نبود و مشارکت حداکثری تمام گروه‌ها و طبقات اجتماعی به شیوه‌ای عقلانی و مبتنی بر روش‌های علمی را مورد توجه قرار می‌داد شاید مهار کردن سایر عناصر موجود درون سیستم و تعدیل و تبدیل آنها از حالت تهدید به فرصت‌های مناسب بهترین راه مقابله با این مسأله و باعث از میان برداشتن تمامی نارضاقتی‌های موجود بود.

به طور کلی در این مقاله پیشنهاد می‌گردد که تمامی نهادهای حکومتی و تصمیم‌گیرندگان راهکارهای چندگانه‌ای به شرح ذیل اتخاذ نمایند که بتوانند عدالت اجتماعی اقتصادی را تقویت نموده و تا حدودی از ایجاد نارضاقتی عمومی و استمرار احساس آن در جامعه جلوگیری به عمل آورند تا سیستم اجتماعی بتواند ثبات و یکپارچگی خود را حفظ نماید:

الف) راهکارهای گسترش حقوق و آزادی‌های اساسی

۱- فراهم ساختن فرصت‌های برابر اجتماعی و سیاسی شامل:

• تأمین آزادی‌های اساسی (آزادی‌های فردی شامل آزادی بیان، قلم، داد و ستد ایجاد تشکل‌های حرفه‌ای و غیره؛

• مقابله با جریان‌های اجتماعی مخرب (قومی، نژادی، مذهبی، جنسیتی و منطقه‌ای)؛

• تأمین حقوق مالکیت به طور روشن و مشخص؛

• نظارت دقیق بر اجرای قوانین؛ پاسخگویی به توان پرسش از مأموران دولت، کارفرمایان بخش خصوصی یا ارائه‌کنندگان خدمات مربوط می‌شود که آنان را مجبور می‌کند که در قبال سیاست‌ها، اقدامات و موارد استفاده از وجوه اختیار خود پاسخگو باشند.

• دسترسی به محاکم قضایی سریع ارزان دقیق و شفاف و کاهش هزینه‌ی مبادله؛

• تقویت نظام انگیزشی تشویق و تنبیه و رعایت شایسته‌سالاری؛

ب) راهکارهای بهبود بخشیدن به ساز و کار بازار رقابت و فرصت‌های اقتصادی:

۱- کمک به کارکرد بهتر سازو کار بازار از طریق تقویت و گسترش رقابت و مشارکت اقتصادی- اجتماعی مردم با حمایت دولت؛

۲- ارائه اطلاعات کافی در هر بازار و آزادی اطلاعات و جلوگیری از استفاده از اطلاعات درون سازمانی؛

۳- رفع اختلالات حقیقی و عدم مداخله مستقیم دولت در سازوکار بازار؛

۴- کمک به ایجاد و توسعه بازارهای مالی بیمه‌ای و...؛

۵- حذف امتیازهای نامشروع رانت اقتصادی برای افراد غیر مولد؛

۸- حذف اختیارات دولتی عظیم و انحصارات خصوصی و طبیعی؛

ج- راهکارهای توانمند سازی:

۱- گسترش خدمات اجتماعی (آموزش، بهداشت، بهزیستی)؛

۲- افزایش اشتغال پایدار از طریق فعال کردن اقتصاد؛

۳- حمایت کامل از سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی؛

۴- حمایت از گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛

۵- گسترش بیمه‌های اجتماعی؛

۶- اجرای برنامه‌های حمایت از سلامت مادران و کودکان کم درآمد به منظور مقابله با استمرار فقر؛

۷- تأمین سلامت محیط زیست و جلوگیری از انواع آلودگی‌های زیست محیطی؛

د) راهکارهای کاهش فقر و باز توزیع درآمد:

۱- ایجاد چتر حمایتی برای گروه‌های فقیر سالمندان و ناتوان شغلی.

راهکارهای کاربردی

• تقویت ناوگان حمل و نقل عمومی توسط دولت در جهت بالا بردن سطح آمد و رفت بین مناطق حاشیه‌ای و دور از مرکز با پایتخت و مراکز برخوردار؛ توسعه راه‌ها و جاده‌های ارتباطی بین استان ایلام با مرکز کشور و دیگر مناطق برخوردار کشور و توسعه هرچه بیشتر آنها، که مراوده بیشتر و راحت‌تر اقوام با یکدیگر را فراهم آورده، آنان را از نظر فرهنگ و زبان به یکدیگر نزدیک کند؛ به ویژه خطوط راه آهن که در ایران در مقایسه با کشورهای همجوار به شدت مورد بی‌توجهی مسئولین قرار گرفته است؛

• لحاظ نمودن شرایط اقلیمی و جغرافیای مناطق مختلف کشور و نابرابری‌های طبیعی و اختصاص بودجه‌های استانی به نسبت توسعه‌نیافتگی آنان به جای شیوه کنونی که مبتنی بر تعداد جمعیت می‌باشد؛

• برنامه‌ریزی هوشیارانه در تفکیک تقسیمات کشوری و لحاظ قرار دادن آداب و رسوم و سنن اقوام؛

• برنامه‌ریزی در جهت از میان برداشتن موانع طبیعی از طریق احداث تونل‌های متعدد برای دسترسی آسان ساکنین استان ایلام با مرکز کشور و بالعکس؛

• برنامه‌ریزی در جهت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در استان ایلام و رونق بخشیدن هرچه بیشتر به بخش صنعت از طریق حمایت دولت از سرمایه‌گذاران به منظور سرمایه‌گذاری در ایلام به جای دادن

مجوز تأسیس بانک؛

• استفاده از نظریات صاحب‌نظران بومی و مشارکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی استانی؛

• تأکید بر توسعه همه‌جانبه در کل استان ایلام و ایجاد و پیگیری طرح‌های عمرانی و... در مناطق مختلف استان؛

• تقویت عوامل تشکیل دهنده هویت ملی در برابر هویت‌های قومی و محلی؛

چگونگی و چرایی استمرار احساس اجحاف در استان ایلام پس از انقلاب ...

- تأکید بر موارث فرهنگی با پیشینه مشارکت همزیستی دائمی اقوام و دخالت تاریخی اقوام در اداره امور؛
- برنامه‌ریزی جهت تقویت وفاق اجتماعی به عنوان یک هدف کلان و تلاش در جهت تفکر ایرانی بودن؛
- حفظ استقلال نسبی خرده فرهنگ‌ها و حتی اصالت دادن به آنها و در عین حال برقراری اتصال و ارتباط بین اقوام و تقویت و برجسته کردن نقاط مشترک بین اقوام از طریق گسترش امکانات گردشگری داخلی؛
- بالا بردن سطح آگاهی مردم (قومیت‌ها) نسبت به پیامدهای منفی واگرایی؛
- حضور مداوم و برابر مسئولان دولتی در استان‌ها و سعی در رفع مشکلات آن‌ها؛
- توزیع مناسب و برابر قدرت در استان‌های مختلف کشور با لحاظ کردن مساله حساس قومی؛
- تدوین برنامه‌های آمایش سرزمین به منظور شناخت استعدادهای طبیعی، کشاورزی، منابع زیرزمینی، گردشگری، صنعتی و ایجاد اشتغال برای نسل جوان منطقه ایلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Bashirieh, H. (2003). The History of Political Thoughts in the Twentieth Century, Vol. II: Liberalism and Conservatism, Tehran: Nayer Rey. (Text in Persian).
- Bastami, E. (2012). Study of Social Factors Affecting Ethnic Divergence Among Ethnicities Living in Ilam Province, M.S Thesis, Tehran science and research university. (Text in Persian).
- Bourdieu, P. (2001). The theory of action: practical reasons and rational choice, Translation: Morteza Mardiha , Tehran: Naghshonegar. (Text in Persian).
- Grabb, E. (1994). Theories of Social Inequality: Classical and Contemporary Perspectives, Translators: Mohammad Siahpush and Ahmad Reza Gharavi Zad, Tehran, Moaser publication. (Text in Persian).
- Etfarid, H. (2004). About Justice, Philosophical Concepts, Translator: Amir Tabari, Tehran: Publisher: Akhtaran. (Text in Persian).
- George, V & p, wilding.(1976). Ideology and Social Policy, Routledge, Ilam Governorate (2011). Economic, social and cultural status of Ilam province in the country. (Text in Persian).
- Ilam Governorate. (2014). Statistical Yearbook. (Text in Persian).
- Lahsaeizadeh, A. (2001). Inequality and social stratification in Iran, Journal of Social Sciences and Human Sciences University of Shiraz, Volume 16, Number 2. (Text in Persian).
- Malek, H. (2003). Sociology of social strata and inequalities, Tehran: Payame Noor University Press. (Text in Persian).
- Ministry of Co-operation, Labor and Social Welfare. (2014). A look at the phenomenon of suicide in Iran, Discussions in social policy. (Text in Persian).
- Mohammadi, B. (2012). Factors affecting the formation of feelings of injustice among government employees, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies, Third year, number two, autumn and winter. (Text in Persian).
- Rawls, J. (1997). Justice and Fairness and Rational decision, Translation: Mostafa Malekian, Journal: review, Third Year, No. 2 & 3. (Text in Persian).
- Research Center of the Islamic Consultative Assembly of Iran (2003). Report on the comparative study of selected socioeconomic indicators of four provinces of the country (Ilam, Kurdistan, Kermanshah and West Azarbaijan). (Text in Persian).
- Robbins, S. (1991). Organizational Behavior, Prentice Hall of India: New Dehli.
- Sarookhani, B. (1996). The Social Encyclopedia, Tehran, Kayhan Institute. (Text in Persian).
- Seymour, M. L. (2002). Sociology of social strata and inequalities, Translation: Jawad Afshar, Mashhad, Nika Publishing House. (Text in Persian).
- Seyfollahi, S. (1995). Iran political Economy Articles and Essays, Tehran: sina researchers Institute for Publication. (Text in Persian).
- Seyfollahi, S. (2007). Sociology of Iran Social Problems; Artcles and viws. Tehran: sina researchers Institute for Publication. (Text in Persian).
- Seyfollahi, S (2009). Socology Principals, Problems and DIscorses. Tehran: sina researchers Institute for Publication. (Text in Persian).
- Seyfollahi, S & Hafez Amini, H. (2009). Social-Economic Development programs and Their Impact on the Divergence and Convergence of Ethnic Groups in Iran, Social Sciences Research, Third Year, Number Two. (Text in Persian).
- Seyfollahi, S. (2011). Sociology of Iran Socio-Economic Development, Tehran: sina researchers Institute for Publication. (Text in Persian).

چگونگی و چرایی استمرار احساس اجحاف در استان ایلام پس از انقلاب ...

Sharifi, P. (2002). Study of Political Selection and Its Relationship with Development in Ilam Province in the Seventies, political science . M.S Thesis, Tehran University. (Text in Persian).

Vaezi, A. (2005). Formal justice, content justice, Tehran: Political Science Quarterly, Eighth, No. 29. (Text in Persian).

سایت‌های اینترنتی

<https://www.ilamtoday.com>

<http://www.poolnews.ir>

<http://www.mehrnews.com>

<http://www.ilampooya.ir>

<http://www.irna.ir/ilam>

<http://isna.ir>

